

بررسی ابعاد پایداری کهن‌الگوهای معماری گذشته به منظور تداوم در طراحی خانه امروز (استخراج احکام طراحی مبتنی بر کهن‌الگوهای اقلیم گرم و خشک)*



اعظم سادات رضوی زاده**

استادیار، گروه معماری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۱/۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۳/۱۰

چکیده:

عدم شناخت کافی و درست مبتنی بر انگاره‌های بنیادین و اصیل تداوم یافته‌الگوهای معماری خانه، منجر به آشفتگی‌هایی در ساختارهای بنیادین در معماری خانه‌های امروزی شده است. هدف پژوهش، بررسی کهن‌الگوهای پایدار در معماری خانه‌های مورد مطالعه دوره قاجاریه کاشان و یزد، شناخت و بازنمایی در معماری خانه‌های امروزی است؛ تا بتواند تداوم کهن‌الگوها مورد پژوهش قرار گیرد. پرسش اصلی این است که چه ارتباطی بین انگاره‌ها، زبان معماری بومی و نظام ارزشی و زیست انسانی به خصوص در ساماندهی فضاهای معماری وجود داشته است؟ بر همین اساس فرضیه اصلی با رویکردی به نگرش معماری ایرانی، شناسایی کهن‌الگوها در مؤلفه‌های بومی، فضایی و فرهنگی جهت شکل‌گیری ساختار خانه‌های مورد پژوهش است. لذا با استناد به روش زمینه‌ای از تبدیل داده‌ها به الگوهای پارادایمی که نمایانگر انگاره‌های بنیادین در شکل‌گیری معماری خانه‌های ایرانی هستند؛ پژوهش انجام می‌پذیرد. جهت ایجاد شناخت نظری، با تحلیل محتوای متون از طریق کدگذاری روی مفاهیم و معانی مشترک و جمع‌بندی نظریات، منجر به استخراج مؤلفه‌های شکل دهنده کهن‌الگوها در ساختار طبیعی، ساختار کالبدی-فضایی و ساختار بصری می‌گردد. پس از بررسی پایایی مؤلفه‌ها توسط کارشناسان، میزان تأثیرگذاری و اصول جامع‌تر شناسایی گردید. در ادامه روند پژوهش، تحلیل معنایی هر یک از آن‌ها در نمونه‌های مورد مطالعه صورت گرفت. بررسی الگوهای بنیادین در مؤلفه‌های شناسایی شده در ابعاد مختلف زندگی انسان به‌ویژه عناصر محیطی و معماری نشان می‌دهد که زبان مشترکی برای تداوم در معماری خانه وجود دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کهن‌الگوهای معماری خانه‌های مورد مطالعه در ساختارهای طبیعی، کالبدی-فضایی و بصری از طریق پانزده مفهوم سلسله‌مراتب، تناسب فضایی، انعطاف‌پذیری، درونگرایی، فعالیت جمعی، حس مکان، امنیت، انرژی کارآیی، محرمیت، محصوریت، مصالح مناسب، ایستایی، مردم‌واری، عناصر طبیعی و معماری ترازمنفی قابل بازنمایی است. این مفاهیم در شکل‌گیری معیارهای فضاگرایی، درونگرایی، طبیعت‌گرایی، بوم‌گرایی و ساختارگرایی معرفی می‌گردند. در نهایت، با ارزیابی این معیارها، کهن‌الگوهایی که قابلیت تداوم در معماری خانه‌های امروزی را دارند؛ در قالب یک مدل تحلیلی- کاربردی ارائه شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: کهن‌الگو، طراحی معماری، خانه، کاشان، یزد.

* a.razavizadeh@iaukashan.ac.ir

** این مقاله مستخرج از بخش نظری طرح پژوهشی با عنوان «طراحی مرکز پژوهش انرژی خورشیدی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان با رویکرد معماری انرژی‌صفر» می‌باشد که در مرکز تحقیقات معماری و انرژی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان انجام گرفته است.

مقدمه

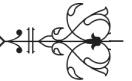
خانه برای انسان از زمان سکنی‌گزیدن روی زمین مفهومی آشنا و در عین حال پیچیده بوده‌است. سابقه طولانی زیستن در فضایی که بتواند نیازهای انسان را در ابعاد مختلف مادی و معنوی برآورده نماید، موضوعی است که رابطه طولانی با نوع بشر دارد. «رابرت ونتوری» مسکن را پیچیده‌ترین نوع بنایی می‌داند که تاکنون طراحی کرده و بیان می‌کند که طراحی آن موضوعی فرای یک پاسخ ساده به برنامه‌هایی است که منجر به زندگی خصوصی انسان در آن می‌شود. در این زمینه ابعاد مختلفی چون سیاست، فرهنگ، اقتصاد و حتی جهان‌بینی و فلسفه فردی ساکنان نیز مؤثر است (وتلینگ ۱۳۹۴، ۱۳). می‌توان ادعا نمود که هیچ‌یک از عملکردهای معماری، همانند خانه، واجد اهمیت و گوناگونی نیستند. از یک سو خانه از ابتدایی‌ترین نیازهای انسان و از سوی دیگر متأثر از ساختار خانواده به‌عنوان کوچکترین واحد اجتماعی در نظام جامعه می‌باشد.

گسترش کمی مسکن در جهت پاسخ‌گویی به نیاز روزافزون جمعیت، پیامدهای منفی به دنبال داشته‌است که منجر به فراموشی بسیاری از کیفیت‌های خانه در جهت پاسخ‌دهی نیازهای روحی و معنوی انسان شده‌است. یکی از مفاهیمی که می‌تواند در خانه‌ایرانی مشهود باشد «انگاره‌های بنیادین، اصیل و پایداری» (براتی و کاکوند ۱۳۹۵، ۵) است که در ماهیت و اصالت خانه تداوم داشته‌است. به عبارت دیگر، این انگاره‌ها منجر به شکل‌گیری مفهومی به نام کهن‌الگو شده است که بار معنایی، تاریخی، فرهنگ بومی را در طراحی فضاهای انسان‌ساخت به همراه دارد. خانه در معنای محتوایی خود با مفاهیمی چون آسایش، آرامش، امنیت روحی و روانی همراه است. اما بسیاری از خانه‌های امروزی فاقد ارزش‌های معمارانه و ویژگی‌های لازم برای برآوردن نیازهای انسان هستند (طوفان ۱۳۸۶، ۷۴) بناها می‌توانند روابط با محیط را درونی کنند. هر گونه جزئیات یا ویژگی‌های کالبدی یا غیرکالبدی در معماری می‌باید در راستای تشخیص خود مکان به کار رود و این به معنای نسخه‌برداری از نمونه‌های قدیمی نیست (شولتز ۱۳۸۷). بلکه به معنای بازنمایی انگاره‌های اصیلی است که امکان

تداوم در طول زمان را دارند. بازنمایی این ابعاد، در مدل‌ها و الگوهایی در شکل‌دهی نظام ارزشی خانه‌ها قابل‌شناسایی می‌باشند. یونگ (۱۳۸۴؛ الکساندر ۱۳۸۷؛ شولتز ۱۳۸۱).

محققانی چون یونگ (۱۳۸۷) و الکساندر (۱۳۸۷) الگوهایی را معرفی کرده‌اند که شکل‌دهنده و هدایت‌کننده ارزش‌ها، انتظارات و مطلوبیت‌های فضایی در شکل‌گیری فضاهای کالبدی معماری هستند. فرضیه مطرح در این پژوهش، بازنمایی کهن‌الگوهای پایدار در معماری خانه‌ها در نگرش ایرانی - اسلامی است که به ویژه در معماری‌های به‌جامانده از دوره قاجاریه مشهود و قابل رؤیت است؛ و تلاش‌هایی در دوره معاصر به دنبال بازخوانی آن‌ها انجام شده است. به دلیل چالش‌های پیش روی موضوع مورد بررسی، نمی‌توان روش ثابت و غیر قابل انعطافی را پیش گرفت و با اتخاذ رویکردی مبتنی بر ادراک استنباطی و اکتشافی قابل دست‌یابی است. ساختار کلی تحقیق منجر به استفاده از روش‌های کیفی و ترکیبی می‌گردد. ابتدا مفاهیم مورد پژوهش (خانه و کهن‌الگو) در نگاهی اجمالی و دقیق از دیدگاه صاحب‌نظران مطالعه می‌گردد. انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند و از میان خانه‌های ثبت‌شده به عنوان نمونه‌های معماری بومی کاشان و یزد در دو دوره ساخت گذشته و معاصر انتخاب شده‌است. نمونه‌هایی که در شکل‌گیری ساختار آن‌ها، معیارهای مشترکی قابل بازنمایی هستند. برای مطالعه نمونه‌ها از شیوه مقایسه محتوای معنایی در ساختار فضایی از طریق مطالعه پلان، برش و احجام استفاده می‌گردد. به منظور شناسایی و بازنمایی الگوهای معماری در طراحی خانه در زمینه شیوه‌ها و روش‌های طراحی با بررسی پژوهش‌های موردی آن، معیارهای اثرگذار در تداوم کهن‌الگوهای معماری خانه بدست می‌آید. سپس با استناد به میزان تأثیرگذاری معیارها در یک مقایسه تطبیقی، می‌توان به اهمیت تأثیرگذاری آنها در شکل‌گیری فضاهای پی برد.

این مقاله به دنبال یافتن پاسخی به پرسش‌های زیر است:
 ۱. کهن‌الگوهای معماری گذشته در شهرهای کاشان و یزد کدامند؟
 ۲. چه ارزش‌ها و قواعد سازگارسازی در ساختارهای



فضایی - کالبدی، بصری و طبیعی در کهن‌الگوهای معمارانه این مناطق قابل مشاهده است؟
۳. تا چه حد می‌توان از کهن‌الگوهای گذشته خانه با اهداف گوناگون به‌ویژه از بعد محیطی در طرح امروز خانه‌ها استفاده کرد؟

خانه

خانه مفهومی سهل و ممتنع است. سهل از آن جهت که به واسطه سکنی‌گزینی انسان در طول تاریخ برای همه آشنا می‌باشد؛ و ممتنع از آن رو که به همان میزان همواره دغدغه ذهنی صاحب نظران و معماران بوده است. خانه در فرهنگ عمید به چهاردیواری که دارای سقف باشد؛ اتاق، جایی که انسان در آن زندگی کند؛ منزل، مکان و نشیمن بیان شده است (عمید ۱۳۶۳، ۹۸۵). در فرهنگ دهخدا خانه به جایی که آدمی در آن سکنی می‌گزیند؛ سرا، منزل، مستقر، بیت، اتاق، تاق، چادر، خیمه و سراپرده و... اطلاق می‌شود (دهخدا ۱۳۸۵، ۱۰۷۹). در فرهنگ معین، خانه و سرای با یکدیگر متفاوت‌اند؛ خانه به معنای اتاق است و سرا به معنای حالیه خانه می‌باشد (معین ۱۳۸۴، ۱۰۰۰).

پیرنیا در کتاب آشنایی با معماری اسلامی بیان می‌کند خانه جایست که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون خانه یا جایی که زن و بچه زندگی می‌کنند؛ می‌بایست تنوع زیادی داشته باشد تا خستگی در آن احساس نشود (پیرنیا ۱۳۷۱، ۱۵۳). لوکوربوزیه در کتاب چگونه به مسئله شهرسازی بیندیشیم بیان می‌کند خانه پوششی است در تطابق با برخی از شرایط، رابطه صحیحی را بین محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسان برقرار می‌سازد. در خانه می‌بایستی یک فرد یا یک خانواده زندگی کند. یعنی اینکه بخوابد؛ راه برود؛ دراز بکشد؛ ببیند؛ و فکر کند. مور در کتاب محل خانه می‌گوید خانه مرکز جهان است برای ساکنانش و برای محله اش شاخص‌ترین بنا در تحکیم مکان (حایری مازندرانی، ۱۳۸۸، ۴۸) باشلار^۳ فایده خانه را پناهگاه و پشتیبانی می‌داند که با تأکید بر نقش خیال انسان در آن آرامش می‌یابد (باشلار ۱۳۹۱، ۶). یونگ^۴ تجارب و معلوماتی را که از نیاکان به ارث رسیده و ناخودآگاه همگانی

ما از آنها تشکیل یافته است؛ به «آرکی تایپس»^۵ تعبیر نمود (یونگ ۱۳۸۷). سکنی‌گزیدن با مفاهیم کیفی آن از شروط مقدماتی انسان بودن است (شولتز ۱۳۸۱، ۱۶). از نگاه الکساندر انگاره‌ها و الگوهای تاریخی و بومی می‌تواند به صورت تازه‌ای مطرح شده و در سطح عموم بحث شود (الکساندر ۱۳۸۷، ۲۱۴). خانه مکانی است که امنیت و رفاه را در آن می‌جوئیم (شولتز ۱۳۸۷، ۱۰۱). مفهومی که با بهره‌مندی از الگوهای اقلیمی بهینه شده طی زمان، به همراه پاسخ‌گویی به خواست‌های اجتماعی و فرهنگی انسان شکل می‌گیرد. به باور شولتز، اگر مکان‌ها از هویت تهی شوند؛ وجود بی‌معنا می‌شود و بشر بی‌خانمان، چرا که تعلق به یک تمامیت با معنا ندارد (شولتز ۱۳۸۲، ۳۱).

خانه در درجه اول یک نهاد است؛ و نه یک سازه؛ و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است. از آنجا که احداث یک خانه پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌آید؛ شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگی است که بدان تعلق دارد. خانه از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی «فرهنگ» است و ریشه‌ها، کارکردها و الگوهای فرهنگی مسکن در هر جامعه معین است (راپاپورت ۱۳۹۱، ۷). از ابتدا انسان تنها محلی را به عنوان سرپناه فراهم می‌کرد تا از باد و باران در امان باشد. اما با گذشت زمان و پیشرفت در ساخت، خانه‌هایی را به وجود آورد که شامل چندین فضا بود و هر فضا به فعالیتی خاص اختصاص می‌یافت. با گسترش تکنولوژی، افزایش روابط اجتماعی، مهاجرت‌ها و بروز خانه‌های گوناگون از خانه‌های تک‌واحدی مستقل، خانه‌های حیاط مرکزی در شهر، خانه‌های شهری برون‌گرا، مجموعه‌های مسکونی اشتراکی، آپارتمان‌های بلند، مجتمع‌های مسکونی با ارتفاع متوسط، مجتمع‌های مسکونی جمعی و ساختمان‌های چندعملکردی (شوتنوتر ۱۳۸۰) در شهرها پدیدار شدند. اما در تمام انواع این سکونت می‌توان مبنایی یکسان در شکل‌گیری فضاهای سکونتی را شناسایی نمود که به مثابه الگویی در ماهیت وجودی خانه‌ها نمودار می‌گردد. فهم ساختاری خانه‌های ایرانی - اسلامی همانند بررسی یک جزء در کل هم‌پیوندی است که می‌تواند ارتباطات فضایی را در قالب الگوها بازنمایی



بام، استفاده از تابش‌بند و حتی پرداختن به جزئیات تزئینی چون شیشه‌های رنگی از مجموعه الگوهای است که در بعد اقلیمی، نیارش، زیبایی‌شناسی و عملکردی پاسخ‌دهندگی خوبی داشته‌است (پیرنیا ۱۳۷۵، ۵؛ حائری ۱۳۷۵، ۲۲؛ غفاری و بنایی ۱۳۹۰، ۲۰؛ نقره‌کار ۱۳۸۷؛ اردلان و بختیار ۱۳۹۰، ۴۵؛ بانی‌مسعود ۱۳۸۰؛ بهشتی ۱۳۸۶، حائری ۱۳۸۸؛ معماریان ۱۳۸۹).

مفهوم الگو در دو دهه اخیر در بسیاری از مطالعات معماری و شهرسازی مورد بررسی قرار گرفته‌است. این مفهوم از دیرباز نیز برای بیان لایه‌های پنهان شکل‌گیری بناها به کاررفته‌است. (الکساندر ۱۳۸۷) به دنبال آن الگوهای کهن یا انگاره‌های بنیادین پایدار (براتی و کاکاوند ۱۳۹۵، ۶) مفهومی است که در عین ظهور و بروز در مظاهر کالبدی و ساختاری، بنیان‌های معنایی را نیز شامل می‌شود.^۳ ویژگی‌هایی در معماری خانه‌های ایرانی وجود دارد که هریک از آنها به مثابه یک الگوی مداوم می‌تواند در طراحی خانه‌های امروزی مدنظر قرارگیرد. شناسایی و بازنمایی در این ویژگی‌ها جهت دستیابی به معیارهای صحیح طراحی و فراهم آوردن کالبدی برای فعالیت‌های استفاده‌کنندگان از بنا منطبق با شیوه‌های زیست و معیشت لازم و ضروری است. تاکنون عوامل مختلفی در شکل‌گیری فضاهای خانه در یک مکان تأثیرگذار بوده‌است که به دلیل پیوستگی و تداوم آن در مقاطع مختلف تاریخی باعث پدیداری گوناگونی از فضاها در خانه می‌باشد. در میان آنها مؤثرترین زمینه شکل‌گیری، انطباق و سازگاری با محیط طبیعی می‌باشد (حبیبی و احمدی ۱۳۸۹، ۳۸۵). از منظر فرهنگ و هویت نیز الگوهای در طول تاریخ به مثابه عالمی از درک انسان از جهان و حیات، نقش بسیار مؤثری در مسکن و سازمان فضایی خانه داشته‌است. خانه از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی فرهنگ‌است؛ و ریشه‌ها، کارکردها و الگوهای فرهنگی در هر جامعه معین‌است (راپاپورت ۱۳۹۱، ۴۹). از بعد اقتصادی، خانه مشابه کالایی است که آن را از سایر کالاهای اقتصادی متمایز می‌نماید. درون‌گرایی که از صفات برجسته یک خانه ایرانی است؛ هم بر حسب مقتضیات اقلیمی و هم بر مبنای بوم و فرهنگ ایرانی باعث

نماید. شناخت این طرح‌ها و الگوها به معنی شناخت روابط شکل‌دهنده فضاهایی است که شامل مجموعه اطلاعاتی است که درون یک «گونه یا نوع» وجود دارد. بنابراین در تحلیل روابط الگوهای زیستی و الگوهای کالبدی (معماریان ۱۳۹۲، ۱۰۶) مفهوم الگوهای تداوم‌یافته و قابل تکرار وجود دارد که در ادامه مقاله به شکل دقیق‌تر بررسی می‌گردد.

کهن‌الگو^۴

واژه آرکی‌تایپ هم در فلسفه و هم روانشناسی به معنای الگوی آغازینه یا کهن‌الگو به کاررفته‌است. نخستین بار از واژه یونانی آرکه تیپوس^۵ به معنای مدل و یا الگویی به کاررفته‌است که چیزی را از روی آن می‌ساختند. یونگ ناخودآگاه همگانی و مفاهیم کهن را گنجینه‌ای از خاطره آثاری که آدمی از نیاکان بسیار دور دست و حتی غیرانسانی خود به ارث برده‌است؛ می‌داند که تأثیر آن در مشهودات حسی و ادراکات هستند و در نسل‌های متوالی تکرار شده‌است (یونگ ۱۳۸۷). مفهوم الگو در این مقاله با مفهوم گونه^۶ متفاوت است.^۷ گونه به معنای اشکال مختلف از یک رده می‌باشد. برای هر دو واژه جنوتایپ^۸ (الگوی زیستی) و فنوتایپ^۹ (الگوی کالبدی) پسوند تایپ به کاربرده شده که به معنی اشتراکاتی است که هر کدام از واژه‌ها به عنوان نماینده‌ای از گروهی هستند که اطلاعاتی در درون یک نوع یا گونه آن موجود است (معماریان ۱۳۹۲). این پژوهش در بررسی الگوهای به کاررفته در نمونه‌های مورد مطالعه، به دنبال شناخت وجوه مشترک به مثابه آنچه در گونه‌شناسی به کار رود نیست؛ بلکه شناسایی ساختارهای نظم‌دهنده در تداوم الگوهای به کاررفته مد نظر قرار دارد.^{۱۰} الگوهای به کاررفته در معماری کهن ایرانی برآمده از بوم و متن زندگی انسان بوده و توانسته بودند مشکلات اقلیمی و نبود تکنولوژی را حل کنند (بمانیان و امینی ۱۳۹۵، ۵۶) در بررسی اجمالی به نقش الگوها می‌توان به چند کارکردی بودن آن در پاسخگویی به نیازهای زمان خود اشاره نمود. الگوهای مانند حیاط مرکزی، گودال باغچه (ساخت فضاهای اصلی در تراز منفی)، سلسله‌مراتب فضایی، بسط فضایی و نظایر آن از این نمونه‌اند. به عنوان مثال، قراردادن فضای باز در مرکز خانه، جهت‌گیری بر مبنای بهره‌مندی از عوامل طبیعی همچون، آفتاب، آب و گیاه، دولاپه نمودن



ایرانی است. در نهایت روابط شکل‌گیری خانه‌های ایرانی به شکلی است که حداکثر بهره‌مندی از عوامل طبیعی در تطابق با متن وجود داشته‌است. الگوی حیاط مرکزی توانسته به بسیاری از نیازها پاسخ دهد (بمانیان و امینی ۱۳۹۵). در این مقاله، زبان الگویی دنبال می‌شود که بتواند الگوها را به یکدیگر متصل نماید. الگویی که بتواند الگوی دیگری را در مقیاس خردتر شامل شود. الگویی که در جهت تکمیل الگوی دیگر به کار رود و مسائل مختلفی را حل نماید. همچنین الگوهایی که ساختاری مشابه داشته باشند و در سطوح بالاتر به یکدیگر ارتباط یابند. بنابراین در ابتدا مفاهیم معنایی بیان شده در نظریات مرتبط با مفهوم الگو و الگوشناسی در معماری ایرانی بررسی گردید. با توجه به زمینه‌های شکل‌گیری الگوهای مختلف در خانه‌های ایرانی - اسلامی در ابعاد و جنبه‌های مختلف ساخت و نظریات مطرح در این زمینه در جدول ۱، جمع‌بندی گردیده‌است. این جدول نشان می‌دهد که اصول به کاررفته در معماری خانه‌های ایرانی - اسلامی در چه اصولی مورد تأکید و مشترک، قابلیت بازنمایی دارند.

سازماندهی فضایی خانه شده‌است. در خانه‌های ایرانی در گذشته ارتباطی آهسته و تدریجی از فضای بیرون به درون وجود داشته‌است. این الگوی فضایی علی‌رغم تغییرات سیر تحول تاریخی خانه تا دوران گذار مدرنیته ایرانی همچنان پابرجا بوده‌است؛ اما با مرور زمان و تغییر در سازمان فضایی پیدایش عیان و آشکار فضاهای خانه در بدو ورود باعث تغییرات عمده‌ای در الگوی فضایی خانه می‌شود (حائری ۱۳۷۵، ۲۲). از دیگر الگوهای پیوسته که در خانه‌های ایرانی متجلی است؛ جهت‌گیری و جبهه ساخت بناست که در معماری سنتی به آن «رون»^۴ می‌گفتند. نظر به اقلیم، بهره‌مندی از نور طبیعی در فصول سال به میزان اهمیت و استفاده از فضاهای خانه، مبنای جهت ساخت خانه بوده‌است (پیرنیا و دیگران ۱۳۸۷؛ ۳۱؛ ۴۳). خانه همواره با طبیعت و آب و درخت پیوندی نزدیک داشته‌است و در سازگاری حداکثری با محیط پیرامون شکل گرفته‌است. با توجه به عدم استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته کنونی، بهره‌مندی از مواهب طبیعی به شکل دست نخورده و همراه شدن با باد و آفتاب از مزایای استفاده از الگوی بوم‌گرایی در خانه‌های

جدول ۱. اصول مورد توجه نظریه‌پردازان در طراحی معماری خانه

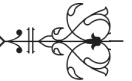
ردیف	نظریه‌پرداز	کتاب یا مقاله	اصول مورد تأکید		
			بومی	فضایی	فرهنگی
۱	محمد رضا حائری مازندرانی	خانه، فرهنگ، طبیعت		سلسله‌مراتب	
				درون‌گرایی	
				انعطاف‌پذیری	
۲	محمد رضا بمانیان و معصومه امینی			تناسبات فضایی	
				درون‌گرایی	
				حریم	
				سلسله‌مراتب	
				فعالیت‌های جمعی	
				تناسبات فضایی	





	تناسبات فضایی		حس وحدت	نادر اردلان و لاله بختیار	۳
	سلسله مراتب				
حس مکان				شهرام پوردیهیمی	۴
روش زندگی			فرهنگ و مسکن		
	امنیت				
	سلسله مراتب				
		مصرف مناسب انرژی			
	انعطاف پذیری			عبدالحمید نقره کار	۵
	تناسبات فضایی		مبانی نظری معماری		
		انرژی طبیعی			
	درونگرایی			مهدی حمزه نژاد	۶
	سلسله مراتب		اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوهای کاربردی معاصر		
محرمیت					
	محصوریت				
	تناسبات فضایی				
		پرهیز از بیهودگی			
	سلسله مراتب		الفبای کالبد سنتی خانه	محمد رضا قرلباش و فرهاد ابوالضیا	۷
		انرژی طبیعی			
		مصالح			
	معماری تراز منفی				
	درونگرایی				
	سلسله مراتب		بررسی کاربرد هندسه در معمار ی گذشته ایران	بهزاد مولوی	۸
	تناسبات فضایی				

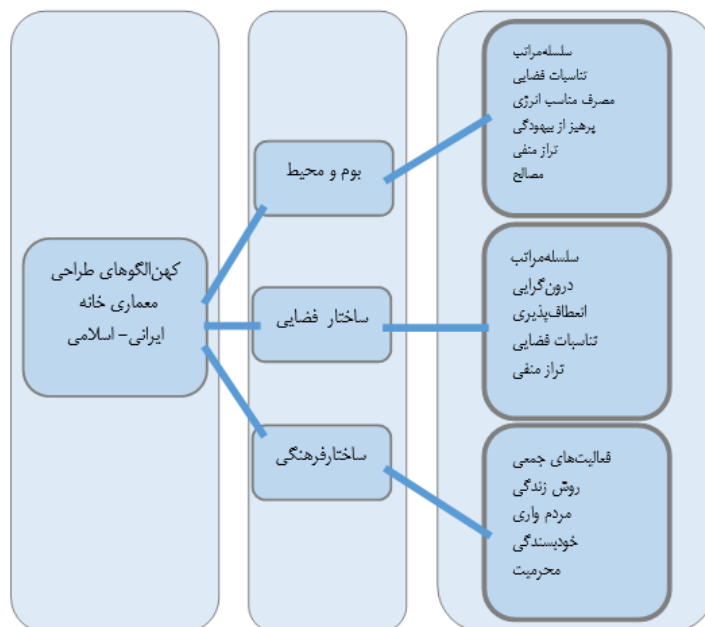




		انرژی طبیعی	بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران	وحید قبادیان	۹
		معماری تراز منفی			
		مصالح	سبک‌شناسی معماری ایرانی	محمد کریم پیرنیا	۱۰
مردم‌واری					
خودبسندگی		خودبسندگی			
		پیمون			
		درونگرایی			
		پرهیز از بیهودگی	خشت و خیال	کامبیز نوایی و کامبیز حاجی قاسمی	۱۱
		درونگرایی			
		تناسبات فضایی			
		مصالح			
		سلسله‌مراتب			

یک ساختار منسجم که امکان بازنمایی آن در نمونه‌های مورد مطالعه وجود داشته باشد؛ در شکل ۲ در قالب یک مدل بیان گردیده است.

در این جدول اصول مورد تأکید و تداوم‌یافته در مطالعات خانه‌های ایرانی بیان شده؛ و با توجه به معنای آن در یک دسته‌بندی کلی‌تر قرار گرفته است. گاه یک مفهوم در بیش از یک اصل قابل شناسایی است. بنابراین، برای رسیدن به



شکل ۱. مدل مفهومی بر مبنای ارزش‌های رسیدن به کهن‌الگوهای تجلی‌یافته در اصول طراحی معماری

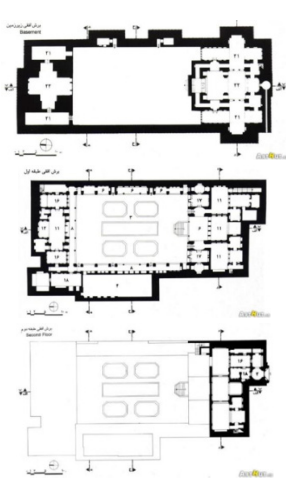


روش‌شناسی پژوهش

به منظور استفاده از کهن‌الگوهای دیروز در معماری امروز باید به چرایی پدید آمدن کهن‌الگوها توجه شود. اینکه هر کهن‌الگو به چه دلیل به وجود آمده‌است و در راستای پاسخ‌دهی به کدام نیاز بوده‌است؟ در نهایت چگونه می‌توان با تداوم آنها در شکل‌گیری فضاهای خانه‌های امروزی به ارتقا بعد کیفی آن افزود؟ در پرداختن به هر یک از ابعاد مورد نظر به شناسایی معیارهای مورد نظر می‌رسیم که با استناد به آنها می‌توان میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هر یک از معیارها را در راستای شکل‌گیری فضا مبتنی بر الگو مورد ارزیابی قرارداد. پژوهش به روش کیفی و از نوع تحلیل محتوای متون نظری در رسیدن به تأکیدات و در انطباق با نمونه‌های مورد پژوهش است. به این منظور، مرور تحلیلی رویکردها و ملاحظات منطبق با محتوای مفاهیم نظریات به منظور ارزیابی کیفی معیارهای بدست آمده‌است. موضوعات مطرح‌شده از طریق بازکدگذاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. با بهره‌گیری از این روش خانه‌های مورد پژوهش بر اساس معیارهای معرفی‌شده بر اساس ساختار شکلی مورد توجه

قرار گرفته‌اند. لذا در این بخش در جمع‌بندی ابعاد موردنظر، لایه‌های اثرگذار در ابعاد اقلیمی، سازماندهی فضایی، ارتباط با زمین، بکارگیری مصالح، تناسب و هندسه فضایی در چهار نمونه مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به بنیان پژوهش که بر مبنای تحلیل کیفی است؛ انتخاب نمونه‌ها به صورت هدفمند و از بین خانه‌های ساخته‌شده در دوره گذشته و حال در دو شهر کاشان و یزد انتخاب شده‌است. در این دوشهر علاوه بر وجود عناصر با ارزش معماری خانه‌های دیروز، زندگی در بافت این شهرها و در خانه‌های مورد بررسی همچنان جریان دارد. بدیهی است با توجه به فرضیه مطرح شده در این پژوهش و با توجه به روش زمینه‌ای (میرمقتدایی و گنجی‌زاده ۱۳۹۷، ۹۲) گونه‌های پژوهشی با توجه به بعد معنایی تأکیدات و اصول بدست آمده از بخش مبنای نظری، بررسی شده‌است. همچنین به عنوان در نظر گرفتن پایایی فرضیات تحقیق - که همانا امکان تداوم کهن‌الگوها در ساختارهای فضایی خانه‌های امروزی است - خانه‌هایی مبتنی بر همان کهن‌الگوها در این دو شهر ساخته شده‌است که مشخصات نمونه‌های مورد مطالعه در جدول ۲ آمده‌است.

جدول ۲. مشخصات نمونه‌های مورد مطالعه

ردیف	شهر	نام خانه	قدمت	مساحت (مترمربع)	مشخصات	مدارک
۱	کاشان	خانه صالح	قاجاریه	۲۰۵۰	این خانه در محله سرسنگ واقع شده‌است و توسط بزرگ این خاندان، میرزا حسن خان مبصر الممالک ساخته شده است. معمار بنا احتمالاً استاد محمود حسن آبادی بوده. مجموعه خانه شامل بیرونی و اندرونی بوده که خانه فعلی تنها اندرونی بنای اولیه می‌باشد. فضای اصلی این خانه ترکیبی از دو مجموعه فضایی در دو جبهه رو به روی هم، واقع در جنوب و شمال حیاط است که ارتفاع این دو جبهه بیشتر از دو جبهه دیگر حیاط می‌باشد. مهم‌ترین بخش خانه در جبهه جنوبی واقع است. در این جبهه سه تالار تقریباً یک شکل در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که ارتباطی با هم ندارند.	





	<p>طرح خانه محبوب، طرحی است که شهرداری احیای بافت تاریخی کاشان، آن را برای حفظ بافت سنتی ایجاد کرده است. این خانه در محله سوریجان کاشان واقع است. هدف اصلی در این طرح این است که کهن الگوهای معماری سنتی کاشان در بناهای نوظهور حفظ شوند و همچنین بناهای کنونی در بافت سنتی همگونی بیشتری با بافت زمینه خود داشته باشند. این طرح در حال حاضر ساخته شده است و این هدف را دارد تا علاوه بر رفع نیازهای انسان امروزی، کهن الگوهای معماری را حفظ و بازنمایی کند. در این طراحی از سرداب و حیاط مرکزی استفاده شده است.</p>	<p>۱۷۰</p>	<p>معاصر</p>	<p>خانه محبوب</p>	<p>کاشان</p>	<p>۲</p>
	<p>این خانه در محله مصلی یزد، از مجموعه خانه های ملک می باشد. در کتاب الفبای کالبد خانه سنتی، یزد نشریه شماره ۹۱ دفتر تحقیقات و معیارهای فنی سازمان برنامه و بودجه مدارک آن استخراج شده است. در این کتاب الگوهای معماری خانه های سنتی در ساختارهای فضایی شکل دهنده آن بررسی شده اند.</p>	<p>۹۸۰</p>	<p>قاجاریه</p>	<p>خانه الف (مجموعه ملک)</p>	<p>یزد</p>	<p>۳</p>
	<p>گودال باغچه مهدوی، برگرفته از عناصر تأثیرگذار در شکل گیری یک خانه در بافت تاریخی یزد است؛ تجربه ای از عدم تکرار فرم های تاریخی، تغییرات فصول و دیگر تغییرات طبیعی در کالبد معماری، و با در نظر گرفتن مسائل اجتماعی و اقلیمی که پدرام جعفر بیگی آن را طراحی کرده است. در ابتدای این پروژه، فضاهای باز و فضاهای بیرونی طراحی شد و سپس، فضاهای بسته بر اساس دیگرام ها و ارتباطات شکل گرفت. این خانه بر مبنای حیاط و گودال باغچه جهت رسیدن به الگوی فضایی خانه های سنتی یزد شکل گرفته است.</p>	<p>۸۳۰</p>	<p>معاصر</p>	<p>گودال باغچه مهدوی</p>	<p>یزد</p>	<p>۴</p>





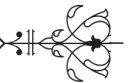
(جدول ۳). با توجه به مفهوم مورد تأکید با امتیاز بیشتر، در نهایت با جمع‌بندی نظریات، مؤلفه‌های با میانگین بالاتر در نمونه‌های معرفی شده مورد بررسی قرار گرفته و مشاهدات با توجه به فرآیند امتیازدهی در شکل ۱ ارزش‌گذاری گردیدند. در نهایت با استناد به جمع‌بندی امتیازات بدست آمده از بررسی‌های تطبیقی نقش الگوهای بکاررفته در معماری خانه‌ها مشخص می‌گردد تا مطابق با سؤالات پژوهش بتوان میزان تداوم الگوها را در خانه‌های ایرانی-اسلامی دوره قاجاریه و معاصر از طریق مقایسه تطبیقی بازنمایی نمود.

بدین منظور در بررسی نخست از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی آرا و نظریات مرتبط با آن با استفاده از تحلیل معنایی، معیارهای بدست‌آمده در مؤلفه‌های ساختار طبیعی، ساختار کالبدی-فضایی، ساختار بصری دسته‌بندی گردیدند. میزان تأثیرگذاری و راستی آزمایی هریک از مفاهیم در مؤلفه‌های مذکور توسط ۲۰ نفر از کارشناسان و متخصصان رشته معماری نظرسنجی گردید. نظرات در جداول ارائه‌شده به‌ایشان و امتیازدهی بر مبنای ۱،۳،۵،۷،۹ انجام پذیرفت که در مجموع برای هر مفهوم و نقش آن در مؤلفه مورد پرسش، میانگین امتیاز نظریات مشخص گردید. میانگین‌ها از امتیاز ۱ تا ۹-حداقل و حداکثر- می‌باشد

جدول ۳. وزن‌دهی مفاهیم و مؤلفه‌ها و معیارهای مستخرج از آن

معیار	زیرمعیار	مؤلفه‌های کهن‌الگوها			اصول مورد تأکید	ردیف
		ساختار بصری	ساختار کالبدی-فضایی	ساختار طبیعی		
فضاگرایی	ارتفاعی، فضاهای باز و نیمه‌باز و بسته، حرکت و مفصل و سکون	۶,۲	۸,۲	۳,۲۵	سلسله‌مراتب	۱
		۵,۶	۸,۷	۲,۱۵	تناسبات فضایی	۲
		۶,۴	۶,۵	۵,۴	انعطاف‌پذیری	۳
درونگرایی	نبود ارتباط مستقیم از بیرون به درون، محرmit، رفع نیاز در داخل خانه	۷,۱	۷,۲	۳,۲	درونگرایی	۴
		۶,۸	۸,۵	۵,۴	فعالیت جمعی	۵
		۶,۵	۷,۳	۳,۴	حس مکان	۶
		۷,۵	۶,۴	۷,۴	امنیت	۷
طبیعت‌گرایی	نور طبیعی (خورشید)، باد	۵,۴	۷,۴	۷,۱	انرژی‌کارایی	۸
		۶,۴	۶,۴	۵,۴	محرmit	۹
		۶,۴	۸,۳	۷,۱	محصوریت	۱۰
بوم‌گرایی	بوم آورد، سازگار با اقلیم و زمین، گیاهان، آب	۷,۸	۸,۱	۶,۴	مصالح مناسب	۱۱
		۳,۴	۵,۲	۳,۴	ایستایی (نیارش)	۱۲
		۳,۴	۵,۴	۵,۴	مردم‌واری	۱۳





ساختارگرایی	نسبت سطوح و هندسه، نسبت فضای کلان بر خرد، گودال باغچه، زیرزمین	۶,۴	۷,۵	۸,۶	عناصر طبیعی	۱۴
		۳,۴	۸,۹	۸,۴	معماری ترازمنفی	۱۵

جدول ۴. طیف امتیازدهی به معیارها

۴	۳	۲	۱	ردیف
زیاد	متوسط	کم	فقدان / ناچیز	درجه
				تصویر

بازشناخت؛ این موضوع به عنوان زمینه اثرگذار در معیارهای منتخب مورد توجه بوده است. نکته اساسی در این پژوهش انتخاب خانه‌هایی است که در بافت منسجم و پیوسته‌ای از محله قرار گرفته‌اند که بخشی از کهن‌الگوها از همین مسئله منتج شده‌اند. از این طریق تعاملات فضایی - کالبدی خانه‌ها با محیط شکل گرفته است و نتایج آن در معیارهای طبیعت‌گرایی (بهره‌مندی از نور مناسب) ساختارگرایی (ایجاد حیاط در مرکز خانه و ترازمنفی) و درونگرایی (محرمیت و نفوذپذیری) آمده است.

نمونه‌های مورد پژوهش

شناسایی معیارها و زیر معیارهای مستخرج شده از آن در بررسی نمونه‌های مورد مطالعه منجر به بازنمایی دقیق و شناسایی مفاهیم و مؤلفه‌های مورد تأکید دارد. در چهار نمونه مورد بررسی با یک مقایسه تطبیقی بین آن‌ها می‌توان از طریق ارزش‌گذاری و امتیازدهی، الگوهای به کاررفته در آن‌ها را مشخص نمود. پرداختن به متن در شناخت الگوها نیازمند تحقیقات گسترده‌تری است که از مجال این پژوهش خارج می‌شود. اما از آنجا که نمی‌توان شناسایی کهن‌الگوها را بدون در نظر گرفتن متن شکل‌دهنده آن

جدول ۴. طیف امتیازدهی به معیارها

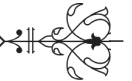
	خانه مهدوی	خانه الف (ملک)	خانه محبوب	خانه صالح	زیرمعیار	معیار
					نور	طبیعت‌گرایی
					باد	
		معیار موجود نیست.		معیار موجود نیست.	تهویه طبیعی	





				معیار موجود نیست.	حیاط مرکزی	ساختارگرای
					تراز منفی	
	تناسبات (نسبت طول به عرض با اعداد صحیح حاصل از دایره) در همه فضاها رعایت شده است.			تناسبات (نسبت طول به عرض با اعداد صحیح حاصل از دایره) در همه فضاها رعایت شده است.	تناسبات سطوح	
	نسبت فضای کلان بر خرد در همه فضاها رعایت شده است.			نسبت فضای کلان بر خرد در همه فضاها رعایت شده است.	نسبت فضای خرد به کلان	
		با توجه به قرارگیری در بافت تاریخی محدودیت ارتفاعی تا ارتفاع ۷ متر به جز بادگیر در نظر گرفته شده است.			ارتفاع	فضاگرای
					سلسله مراتب	
					حرکت و مکت	
در نمای بیرونی بازشو وجود دارد اما بازشوها پوشیده شده اند و هم چنین با ایجاد گودال باغچه به کم کردن دید بصری کمک شده است.	به دلیل اینکه این بنا از الگوی حیاط مرکزی پیروی می کند تمام بازشوها در حیاط مرکزی وجود دارد و هیچ دید بصری مستقیمی از بیرون به درون وجود ندارد.	بازشو در نما، ارتباط بصری مستقیم ایجاد می کند.		به دلیل اینکه این بنا از الگوی حیاط مرکزی پیروی می کند تمام بازشوها در حیاط مرکزی وجود دارد و هیچ دید بصری مستقیمی از بیرون به درون وجود ندارد.	نفوذپذیری	





	وجود بازشو در نمای بیرونی با حفظ محرمیت و هم چنین ایجاد گودال باغچه باعث کم شدن مشرفیت شده و محرمیت را بسیار زیاد کرده است.	●	محرمیت با الگوی حیاط مرکزی به طور کامل در بنا وجود دارد.	●	وجود بازشو در نما بدون حفظ محرمیت از محرمیت خانه کاسته است.	●	محرمیت با الگوی حیاط مرکزی به طور کامل در بنا وجود دارد.	●	محرمیت	دروگرایی
	به دلیل چیدمان فضایی مناسب در پلان و ارتباطات مناسب ارتفاعی نیازهای ساکنین و نورگیری مناسب در فضاهای پر و خالی به صورت مطلوبی در داخل خانه رفع می شود.	●	نیازهای خانه با الگوی حیاط مرکزی به طور کامل در درون خانه رفع می شده است.	●	این بنا سعی داشته تا با استفاده از الگوی حیاط مرکزی کهن الگوها را تجدید نماید. همچنین ارتباطهای ارتفاعی در فضا نتوانسته به خوبی حل شود و نیازها را رفع کند.	●	نیازهای خانه با الگوی حیاط مرکزی به طور کامل در درون خانه رفع می شده است.	●	دسترسی به فضا	
		●		●		●		●	گیاه	بوم گرایی
	معیار موجود نیست.	●		●		●		●	آب	
	معیار موجود نیست.	●	همه مصالح به کاررفته در این بنا بوم آورد هستند؛ مثل خشت و گل و گاه گل و معیار مورد نظر به طور کامل در بنا استفاده شده است.	●	معیار موجود نیست.	●	همه مصالح به کاررفته در این بنا بوم آورد هستند؛ مثل خشت و گل و گاه گل و معیار مورد نظر به طور کامل در بنا استفاده شده است.	●	مصالح	
	مصالح به کاررفته عایق هستند و به صورت زیادی با اقلیم و زمینه سازگاری دارند.	●	مصالح بوم آورد کاملاً با اقلیم و زمینه سازگار هستند.	●	مصالح به کاررفته در بنا سازگاری زیادی با اقلیم و زمینه دارد و استفاده از طرح های موجود در بناهای سنتی سازگاری را با زمینه بسیار زیاد کرده است.	●	مصالح بوم آورد کاملاً با اقلیم و زمینه سازگار هستند.	●	سازگاری اقلیمی	
۴۹		۶۱		۳۹		۶۴		جمع بندی		





صالح و خانه الف یزد از امتیاز بیشتری برخوردار است. در بعد سازماندهی فضایی، پایین‌تر ساختن از تراز صفر معبر (معماری تراز منفی)، گودال باغچه به معنای بهره‌مندی از حیاط در مرکز خانه و استفاده از نور و روشنایی و ارتباط با فضای باز در سطحی گسترده‌تر قابل بررسی است؛ که در هیچ یک از نمونه‌های ساخته‌شده دوران معاصر (خانه محبوب و خانه مهدوی) امتیاز بالایی نگرفتند.

در بعد سلسله‌مراتب فضایی، ارتباطات فضا در دو بعد افقی و ارتفاعی، تسلسل فضایی باز، نیمه‌باز، بسته و تنظیم روابط فضا و حرکت با استناد به فضای حرکت و مفصل و سکون مدنظر قرار دارد. در الگوی درونگرایی نبود ارتباط بصری مستقیم از بیرون به درون، توجه به طراحی بازشوها در نما که امکان ارتباط بصری مستقیم را به وجود می‌آورد؛ محرمیت به منظور ایجاد محدودیت برای رسیدن به آسایش ذهنی ساکنان در داخل خانه و رعایت حریم امن، ارتباطات فضایی در جهت بروز فعالیت‌های ساکنان خانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در الگوی توجه به طبیعت در شکل‌دهی فضاهای خانه نقش گیاهان و آب به مثابه عناصر حیات بخش مورد توجه است که تا چه میزان می‌تواند بر رسیدن به آسایش اقلیمی و رضای نیاز زیبایی‌شناسی مؤثر واقع شود. مصالح به کاررفته در مبانی مبتنی بر معماری ایران مد نظر است. تناسبات فضایی در اکثریت بناهای تاریخی رعایت شده اند و در اکثریت فضاها، طول و عرض با هم نسبت معین دارد و فضاهای متوالی هم نسبت به هم تناسب معین دارد. تناسبات فضایی در نمونه‌های موردی در دو بخش بررسی می‌شود: الف) نسبت سطوح؛ توجه به طراحی بر اساس تقسیمات صحیح دایره که نسبت‌های شناخته‌شده‌ای برای طول‌ها ایجاد می‌کند (نسبت‌هایی نظیر ۱، ۱/۴، ۱/۶۱۸، ۱/۷۳، ۲/۵)؛

ب) نسبت فضای کلان بر خرد؛ هر فضای کلان می‌تواند دارای نسبت مشخصی به فضاهای خرد اطرافش باشد. (این نسبت‌ها شامل ۱/۵ برابر تا ۳ برابر است). در مجموع، در ساختار معماری ایرانی کهن الگوهای قابل تداوم در ابعاد فضاگرایی، ساختارگرایی، بوم‌گرایی و درون‌گرایی قابل

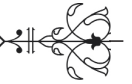
در این جدول الگوهایی که در خانه‌ها بررسی شده بودند بر طبق تبدیل امتیازات کیفی به کمی به اعداد تبدیل شدند و در نهایت هر خانه مجموع امتیاز خود را دریافت نموده است که با توجه به حضور ۱۷ زیرمعیار که بالاترین امتیاز هر کدام از آنها ۴ و پایین‌ترین امتیاز هر کدام از آنها ۱ است مجموع آنها به ۶۸ می‌رسد. در دسته‌بندی خانه‌های امروزی خانه گودال باغچه مهدوی یزد با ۴۹ امتیاز بهترین امتیاز را کسب کرده و در دسته‌بندی خانه‌های قدیمی خانه صالح کاشان با ۶۴ امتیاز بیشترین امتیاز را کسب کرده است. اگر سقف این امتیازات برابر ۱ در نظر گرفته شود؛ در نتیجه امتیاز خانه گودال باغچه مهدوی یزد برابر ۰/۷۲ و امتیاز خانه صالح کاشان برابر ۰/۹۴ می‌باشد که تفاوت بسیار کمی را نشان می‌دهد و معیارها به هم نزدیک هستند.

بحث و جمع‌بندی

در این پژوهش کهن‌الگوهایی که در نمونه‌های معماری خانه‌های مورد بررسی در دو شهر کاشان و یزد وجود دارند؛ شناسایی گردید. به منظور رسیدن به ارزش‌ها و قواعد سازگارسازی با شرایط زندگی امروزی این کهن‌الگوها هم در نمونه‌های قدیم و هم نمونه‌های امروزی مطالعه گردید که نشان می‌دهد بخشی از آن در نمونه‌های معماری امروزی وجود دارد. در میان آنها با نظر به جمع‌بندی و دسته‌بندی مفاهیم بدست آمده از جدول تحلیل نظریات (جدول ۱) می‌توان به معیارهای زیر اشاره نمود که قابلیت بازنمایی در نمونه‌های موردی را دارند. پرداختن به معیارهای مبتنی بر کهن‌الگوهای معماری به عنوان اصلی‌ترین جوهره شکل‌دهی به فضای معماری خانه‌ایرانی در گذشته و امروز در ابعاد مختلفی قابل بررسی و بازنمایی است. در کهن‌الگوهای شناسایی‌شده، جدول ۵ نشان می‌دهد که علی‌رغم استفاده از کهن‌الگوهای ساختاری و فضایی، نمونه‌های معاصر نتوانسته اند تمام معیارها را به همان اندازه نمونه‌های مورد مطالعه گذشته به دست آورند.

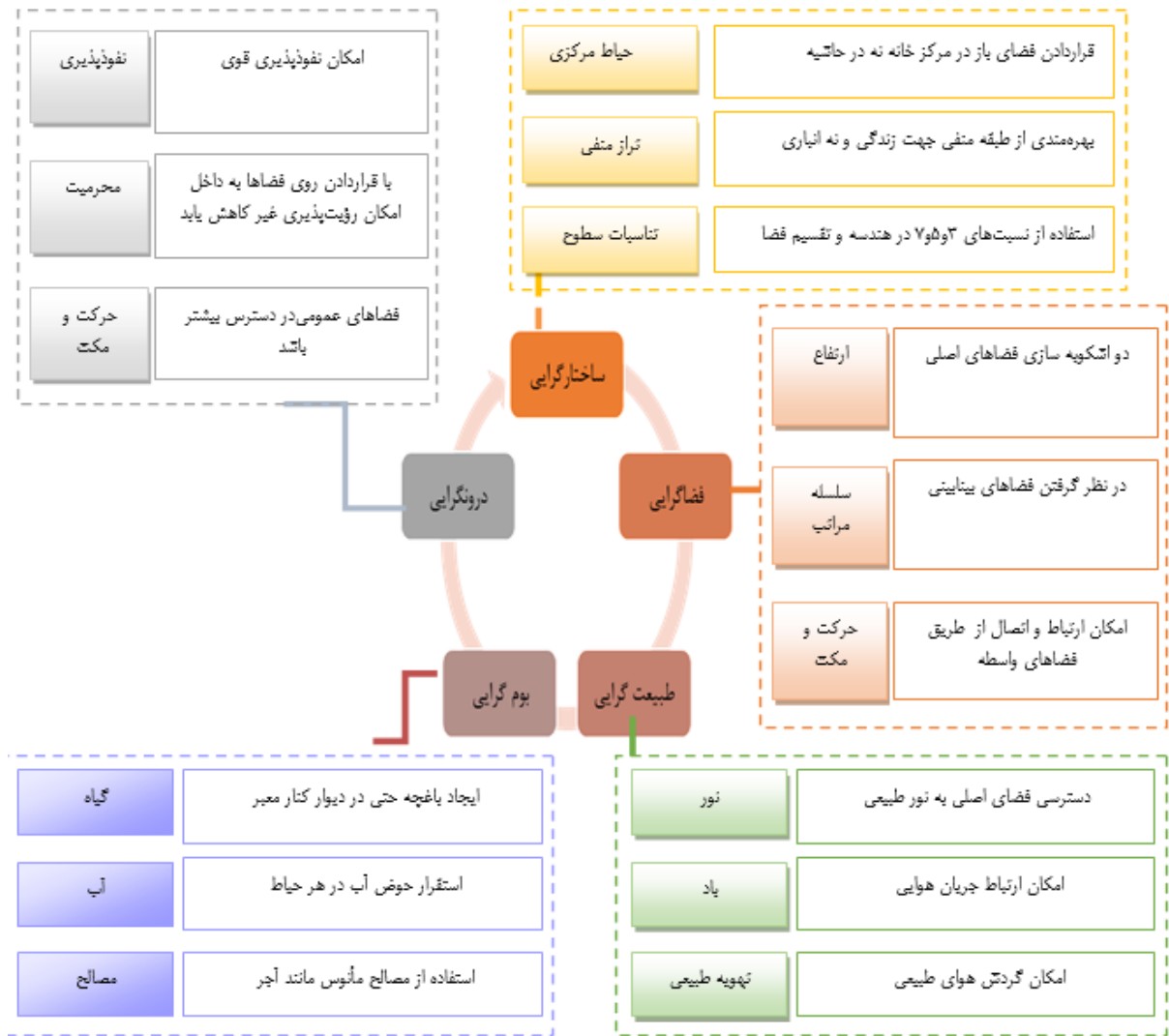
بهره‌مندی از انرژی طبیعی در بعد اقلیمی به استفاده طبیعی نور خورشید، بهره‌مندی از باد در تهویه و کوران طبیعی در رسیدن به دمای مطلوب محیط از جمله الگوهای مورد نظر در بعد ارتباط با طبیعت است. این موارد، در نمونه‌های خانه





تحلیلی- کاربردی ارائه شده اند. بنابراین با توجه به مدل شناسایی معیارهای کهن‌الگوها (شکل ۲) می‌توان با استفاده از تجلی این معیارها در الگوهای طراحی در تداوم آنها و رسیدن به معماری ناب ایرانی در خانه‌های ایرانی بهره برد.

شناسایی است. جهت رسیدن به یک طراحی مناسب برای خانه‌های امروزی و در پاسخ به نیاز انسان امروزی، می‌توان از این الگوها به زبان تازه‌ای استفاده نمود. در نهایت با ارزیابی این معیارها، کهن‌الگوهایی که قابلیت تداوم در معماری خانه‌های امروزی را دارند؛ در قالب یک مدل



شکل ۲. مدل مفهومی معیارهای شناسایی شده کهن‌الگوهای معماری، مبتنی بر تحلیل اصول و ساختارها



پی‌نوشت

۱. Robert Venturi
۲. برای مطالعه بیشتر ن. ک. براتی، ناصر، و الهام کاکاوند. ۱۳۹۴. کندوکاوی پدیدارشناسانه در راستای شناخت یک انگاره کهن در معماری ایرانی - اسلامی (نمونه‌های موردی: میدان توپخانه تهران، میدان نقش جهان اصفهان، پارک لاله تهران، باغ شاهزاده ماهان کرمان).
۳. Gaston Bachelard
۴. Carl Gustav Jung
۵. Archetypes
۶. Archy type
۷. Archery pops
۸. Type
۹. از منظر موراتوری‌ها گونه می‌تواند حاوی اطلاعات قبلی باشد که به ضمیر ناخودآگاه معمار به صورت تدریجی وارد شده و حاوی ارزش‌های گونه‌شناسانه است. معمار از طریق شناسایی آن می‌تواند بین حال و گذشته برقرار نماید. شناسایی مسیر تداوم زنجیرگونه‌ای که آن را روند گونه‌شناسی می‌شناسند (برای مطالعه بیشتر ن. ک. معماریان، غلامحسین، و محمدعلی طبرسا. ۱۳۹۲. گونه و گونه‌شناسی معماری. نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران (۱۰۳): ۱۰۳-۱۱۴).
۱۰. Genotype
۱۱. phenotype
۱۲. مفهوم گونه‌شناسی از دو هزار سال پیش در آثار ویتروویوس، بناهای یونانی و حتی آثار معماری اسلامی مورد توجه بوده است. همچنین در علوم مختلفی مانند زیست‌شناسی دسته‌بندی موجودات زنده بر مبنای ویژگی‌های مشترک یکی از زمینه‌های مطالعه می‌باشد (برای مطالعه بیشتر ن. ک. معماریان، غلامحسین، و محمدعلی طبرسا. ۱۳۹۲. گونه و گونه‌شناسی معماری. نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران (۱۰۳): ۱۰۳-۱۱۴).
۱۳. مفهوم الگو گاه به نادرستی به معنای گونه و شناخت گونه به کاررفته است. اما آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته؛ الگوهایی تداوم‌یافته در طی زمان هستند که ماهیت وجودی خانه را شکل می‌دهد. آنچه که بعد از حذف تمام تزئینات و تفاوت‌ها در مساحت، وسعت، و... از خانه باقی می‌ماند.
۱۴. رون به جهت قرار گرفت هرخانه یا بنا در معماری سنتی گفته می‌شود؛ که به سه دسته رون اصفهانی، رون راسته و رون کرمانی تقسیم می‌گردد.

منابع

۱. اردلان، نادر، و لاله بختیار. ۱۳۹۰. حس وحدت (نقش سنت در معماری ایرانی). ترجمه‌ی وناداد جلیلی. تهران: علم معمار رویال.
۲. الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۷. زبان الگو: شهرها، ترجمه‌ی رضا کربلایی نوری. تهران: نشر مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۳. باشلار، گاستون. ۱۳۹۱. بوطیقای فضا. ترجمه‌ی مریم کمالی و محمد شیرپچه. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۴. بانی‌مسعود، امیر. ۱۳۸۰. تأملی بر تداوم دوگانگی اندرون و بیرون فضا در معماری مسکونی مدرن ایران. معماری و فرهنگ (۸).
۵. براتی، ناصر، و الهام کاکاوند. ۱۳۹۵. کندوکاوی پدیدارشناسانه در راستای شناخت یک انگاره کهن در معماری ایرانی اسلامی. باغ نظر ۱۳ (۴۲): ۵-۱۸.
۶. بمانیان، محمدرضا، نسیم غلامی‌رستم، و جنت رحمت‌پناه. ۱۳۸۹. عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی، نمونه موردی خانه رسولیان یزد. دوفصلنامه هنر اسلامی (۱۳): ۵۵-۶۸.
۷. بمانیان، محمدرضا، و معصومه امینی. ۱۳۹۵. معماری اجتماعی خانه ایرانی. تهران: اول و آخر.
۸. بهشتی، سید محمد. ۱۳۸۶. مهندسی ایرانی، از مجموعه گفتارهای اولین و دومین هم‌اندیشی مباحث معماری. سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان.
۹. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۶۴. شیوه‌های معماری ایرانی. تهران: موسسه نشر هنر اسلامی.
۱۰. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۷۱. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۱۱. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۷۵. خانه ایرانی به روایت استاد محمدکریم پیرنیا. آبادی (۲۲): ۴-۹.



۱۲. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۷. تحقیق در گذشته معماری ایران. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: سروش دانش.
۱۳. حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۷۵. طراحی مسکن امروزی و اصول معماری خانه‌های سنتی. آبادی (۲۳): ۱۹-۲۸.
۱۴. حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۵. حائری مازندرانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. نقش فضا در معماری ایران، هفت گفتار درباره زبان و توان معماری. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۶. حبیبی، محسن، و زهرا احمدی. ۱۳۸۹. تأمین مسکن، ایجاد سرپناه یا تأمین محیط مناسب سکونت. مجموعه مقالات سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، ۳۸۱-۳۸۹.
۱۷. حمزه‌نژاد، مهدی، و زهرا صدریان. ۱۳۹۳. اصول طراحی خانه از منظر اسلامی و الگوی کاربردی معاصر. پژوهش‌های معماری اسلامی (۴): ۶۰-۷۸.
۱۸. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۸. لغت‌نامه فارسی. تهران: دهخدا.
۱۹. راپاپورت، آموس. ۱۳۹۱. فرهنگ معماری و طراحی. ترجمه‌ی ماریا برزگر و مجید یوسف بنا پاشا. ساری: شفلین.
۲۰. شوئنوتز، نوربرت. ۱۳۸۰. مسکن، حومه و شهر. ترجمه‌ی شهرام پوردیهیمی. تهران: روزنه.
۲۱. طوفان، سحر. ۱۳۸۶. بازشناسی نقش آب در حیاط خانه‌های سنتی ایران. باغ نظر (۶): ۷۲-۸۲.
۲۲. عمید، حسن. ۱۳۶۳. فرهنگ عمید. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
۲۳. غفاری، علی، و مریم بنایی ابرندآبادی. ۱۳۹۰. خانه سالم چیست؟ مسکن و محیط روستا (۱۳۳): ۱۵-۲۸.
۲۴. قبادیان، وحید. ۱۳۹۲. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: نشر دانشگاه تهران.
۲۵. قزلباش، محمدرضا، و فرهاد ابوالضیا. ۱۳۶۴. القبای کالبد خانه سنتی یزد. تهران: نشر وزارت برنامه و بودجه.
۲۶. کرمانیان، علی. ۱۳۹۴. گودال باغچه مهدوی یزد. مجله هنر و معماری (۳۷).
۲۷. معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۹. تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه مقایسه تطبیقی خانه. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ۳ (۲).
۲۸. معماریان، غلامحسین، و محمدعلی طبرسا. ۱۳۹۲. گونه و گونه‌شناسی معماری. نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران (۶): ۱۰۳-۱۱۴.
۲۹. معین، محمد. ۱۳۸۴. فرهنگ معین. تهران: امیر کبیر.
۳۰. مولوی، بهزاد. ۱۳۸۱. بررسی کاربرد هندسه در معمار گذشته ایران (دوره اسلامی). تهران: انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۳۱. مهدی‌یار، مرضیه، فخرالدین سلیمانی، شادی کیا، پوراندخت شهرکی، لیلاکریمی‌مقدم، نادره اسلامی، مهری وفادار، راضیه خیراندیش، مهری معینی، معصومه ملکیان. ۱۳۷۵. گنج‌نامه (دفتر اول). تهران: نشر مرکز اسناد و تحقیقات معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و شرکت توسعه فضاهای فرهنگی وابسته به شهرداری تهران.
۳۲. میرمقتدایی، مهتا، و نازنین گنجی‌زاده. ۱۳۹۷. راهنمای انتخاب روش تحقیق در پژوهش‌های معماری و طراحی شهری. تهران: انتشارات وزارت راه و مسکن و شهرسازی.
۳۳. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: پیام سیما.
۳۴. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۹. مبانی نظری معماری. تهران: نشر دانشگاه پیام نور.
۳۵. نوایی، کامبیز، و کامبیز حاجی قاسمی. ۱۳۹۰. خشت و خیال، شرح معماری اسلامی ایران. تهران: سروش.
۳۶. نوربرگ شولتز، کریستیان. ۱۳۸۱. مفهوم سکونت، به سوی معماری تمثیلی. ترجمه‌ی محمود یاراحمدی. تهران: آگه.
۳۷. نوربرگ شولتز. ۱۳۸۲. گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان. ترجمه‌ی ویدا نوروز برازجانی. تهران: جان و جهان.
۳۸. نوربرگ شولتز. ۱۳۸۷. معماری: حضور، زبان، و مکان. ترجمه‌ی علیرضا سید احمدیان. نیلوفر.
۳۹. ونتلینگ، جیمز و. ۱۳۹۴. طراحی مسکن بر پایه سبک زندگی. ترجمه‌ی حبیب قاسمی. مشهد: کتابکده کسری.
۴۰. یونگ، کارل گوستاو. ۱۳۸۴. انسان و سمبول‌هایش. ترجمه‌ی محمود سلطانیه. تهران: جامی.
۴۱. یونگ، کارل گوستاو. ۱۳۸۷. روان‌شناسی، روان‌شناسی تحلیلی، ناخودآگاه جمعی. ترجمه‌ی محمود سلطانیه. تهران: پژمان.

References

- Alexander, Christopher. 2008. *A Pattern of Language*. Translated by Reza Karbalaee Noruzi. Tehran: Studies and Researches in Urban Planning and Architecture Press.
- Amid, Hasan. 1984. *Farhange Amid*. Teran: Amirkabir.
- Ardalan, Nader, and Laleh Bakhtiar. 2011. *The Sense of Unity: The Sufi Tradition in Persian Architecture*. Tehran: Elm-e



Memar, Royal.

4. Arvin. Abasali, and Mohsen Niyazi. 2006. Historical Buildings of Kashan, The Climatic Features of Kashan's Native Architecture. *Studid On Kashan Magazine (3)*: 83-107.
5. Bani Masoud, Amir. 2001. Thinking on Continuity of Inner and Outer Space Diversity in Modern Iranian Residential Architecture. *Memari va Farhang (8)*.
6. Barati, Naser, and Elham Kakavand. Phenomenological Investigation in the Event of Archetype Recognition in Islamic-Iranian Architecture. *Bagh-e-Nazar (13)*42: 5-18.
7. Bachelard, Gaston. 2011. *The Poetics of Space*. Translated by Maryam Kamali and Mohammad Shirbache. iIntellectuals and Women's Studies Publications.
8. Beheshti, Seyed Mohamad. 2007. *Iranian Engeeniaring*. In *Collection of First and Second Reflections of Architectural Topics*, Isfahan.
9. Bemanian, Mohamadreza, Nasim Gholami Roštam, and Jannat Rahmat Panah. 2010. Elements of Identity in the Traditional Architecture of Iranian Homes. *Islamic Art (13)*: 55-68.
10. Bemanian, Mohamadreza, and Masume Amini. 2016. *Social Architecture of Iranian House*. Tehran: Aval va Akhar.
11. Dehkhoda, Ali akbar. 2009. *Farsi Dictionary*. Tehran: Dehkhoda
12. Ghaffari, Ali, and Maryam Banayi Abrand Abadi. 2011. What Is a Healthy Life? *Housing and Rural Environment Magazine (133)*: 15-28.
13. Ghezlbash, Mohamadreza, and Farhad Abolzia. 1985. *The Traditional Alphabet of House in Yazd*. Tehran: Iran Ministry of Planning and Budget. Center for Economic Documents- Social and Publications Tehran.
14. Ghobadian, Vahid. 2013. *Climatic Analysis of the Traditional Iranian Buildings*. Tehran: Tehran University Press.
15. Habibi, Mohsen, and Zahra Ahmadi. 2010. Providing Housing, Shelter, or Providing a Decent Living Environment. In *Proceedings of the Seminar on Housing Development in Iran Tehran, 381-389*.
16. Haeri Mazandarani, Mohamadreza. 2006. Modern Housing Design and the Principles of Traditional House Architecture. *Abadi (23)*: 19-28.
17. Haeri Mazandarani, Mohamadreza. 2009. *House, Culture, Nature*. Iran Department of Housing and Urban Development. Center for Study and Research on Urbanism and Architecture Tehran
18. Haeri Mazandarani, Mohamadreza. 2009. *The Role of the Space of Architecture in Iran*. In *Seven Speeches on the Language and Power of Architecture*. Tehran: Iran Cultural Studies.
19. Hamzeh Nejad, Mahdi, and Zahra Sadrian. 2014. Principles of House Design from Islamic Perspective and Contemporary Application Pattern. *Researches in Islamic Architecture (4)*: 60-78.
20. Jung, Carl Gustav. 2005. *Man and His Symbols*. Translated by Mahmoud Soltanieh. Tehran: Jami.
21. Jung, Carl Gustav. 2008. *Psychology, Analytical Psychology, Collective Unconscious*. Translated by Mahmoud Soltanieh. Tehran: Pezhman.
22. Kermanian, Ali. Mahdavi 's House in yazd. *Art and Architecture Magazine (37)*.
23. Mahdiyari, Marziyeh, et al. 1995. *Ganjnameh*. Tehran: Shahid Beheshti University Architectural and Urban Studies Research Center and Tehran Municipality Cultural Development Center.
24. Memarian, Gholamhosein. 2008. The Effect of Religious Culture on Home Design Comparison of Home. *Quarterly Journal of Cultural Researches 3 (2)*.
25. Memarian, Gholamhosein, and Mohammad Ali Tabrasa. 2013. Type and Typology in Architecture. *Journal of Iranian Architecture and Urbanism (6)*: 103-114.
26. Mirmoghtadee, Mahta, and Nazanin Ganjizade. 2018. Guide to Choosing a Research Method in architecture and Urban Design Research. Tehran: Ministry of Housing and Urban Dvelopment.
27. Moeen, Mohammad. 2005. *Moeen Dictionary*. Tehran: Amir Kabir.
28. Mofidi Shemirani, Sayed Majid, Haditha Kamran Kasmaei, and Mohammad Reza Mofidi. 2016. *Social Housing Crystallizing the Identity of Sustainable Culture*. Tehran: Publication of the Royal Institute of Science.
29. Molavi, Behzad. 2002. *Investigating the Application of Geometry in the Past Architecture of Iran, (Islamic Era)*. Tehran: Building and Housing Research Center Publication.
30. Nawayi, Kambiz, and Kambiz Haji Qasemi. 2011. *Clay and the Illusion of Islamic Architectural Abraham*. Tehran: Soroush.
31. Noghrekar, abd-al-hamid. 2008. *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development, Architecture and Urban Design Office, Payam-e Sima Planning and Printing Corporation.
32. Noghrekar, abd-al-hamid. 2010. *Theoretical Foundations of Architecture*. Tehran: Payam Noor University Press.
33. Norberg Schulz, Christian. 2002. *Concept of Dwelling*. Translated by Mahmoud Yar Ahmadi. Tehran: Agah.
34. Norberg Schulz. 2003. *Architecture, Meaning and Place*. Translated by Vida Noruz Borazjani. Tehran: Jan va Jahan.
35. Norberg Schulz. 2008. *Architecture, Presentence, Language, and Space*. Translated by Alireza Seyed Ahmadian. Niloofar.
36. Pirnia, Mohammad Karim. 1989. *Iranian Architectural Techniques*. Tehran: Institute for the Publishing of Islamic Art.





37. Pirnia, Mohammad Karim. 1989. *Introduction to Islamic Architecture of Iran*. Tehran: Iran University of Science and Technology.
38. Pirnia, Mohammad Karim. 1993. Iranian House by Professor Mohammad Karim Pirnia. *Abadi (22)*: 4-9.
39. Pirnia, Mohammad Karim. 2008. *Research in the Past of Iranian Architecture*. Edited by Gholam Hossein Memarian. Tehran: Soroush-e Danesh.
40. Rapoport, Amos. 2001. *Culture of Architecture and Design*. Translated by Maria Barzegar and Majid Yosufnia Pasha. Sari: Shafin.
41. Schoenver, Norbert. 2001. *Housing, Suburbs and Towns*. Translated by Shahram Pourdehimi. Tehran: Rozaneh.
42. Toofan, Sahar. 2007. Recognition of the Role of Water in the Traditional Courtyards of Traditional Iranian Houses. *Baghe-Nazar (6)*: 72-82.
43. Vontling, James. 1990. *Designing Housing Based on Lifestyle*. Translated by Habib Ghasemi. Mashhad: Kasra Book Library.

